

## نامه به روزنامه کیهان در مورد قسمت دوم مقاله

### «کلام آخر با بازرگان نهضت آزادی»

#### دفتر روزنامه کیهان

در صفحه آخر شماره ۱۸ تیر ماه ۱۳۶۰ آن روزنامه، در قسمت دوم مقاله «کلام آخر با بازرگان و نهضت آزادی» مطالبی آمده است که لازم دیدیم بر طبق قانون مطبوعات پاسخی بدهیم. با معذرت از تأخیر در جواب و با تأسف از این که اوقات خوانندگان عزیز و اوراق آن روزنامه شریف در اوضاع حساس کشور به کارهای ضروری‌تر باید صرف شود، برای آن که سکوت ما به معنای رضا و قبول اتهامات آن مقاله که باز هم قصد حمله و تخطئه «جریان نهضت» را داشت [.....] \* درج نشده بود دست به این دفاع مشروع نمی‌زدیم.

آقای نویسنده مقاله در قسمت دوم باز هم اتهاماتی از قبیل جاسوس آمریکا، لیبرالیزم، ضدیت با انقلاب، مالکیت و طرفداری از سرمایه‌داری، برخورد سازش‌کارانه و کاسب‌کارانه با مجاهدین خلق، بی توجهی روزنامه میزان به دردهای امت و غیره را علم کرده‌اند.

توجه بفرمایید، در این تبلیغات مغرضانه چگونه قلب حقیقت و واقعیت را تکرار نموده‌اند: حداقل روابط دیپلماتیک با آمریکا که در آن زمان مورد تصویب امام و شورای انقلاب قرار گرفته بود «روابط تنگاتنگ» با آمریکا خوانده شده است. آزادی متکی بر موازین اسلامی و قانون اساسی که در جهت مبارزه با استبداد و نفی کلیه طاغوت‌ها و عوامل اسارت‌بار و تسلیم در برابر خداوند لایزال می‌باشد آزادی غربی و بی‌بندوباری معرفی شده است که مورد نظر «گروهی غارتگر، چپاولگر، سرمایه‌دار، محتکر و فئودال و رعیت‌کش» است، آگاهانه یا ناآگاهانه و با تشبیه به فرهنگ الحادی مارکسیسم دفاع از آزادی را با کلمه لیبرالیزم مخلوط نموده در مقابل منافع خلق قرار داده‌اند. یا آن که موضوع مالکیت را آن طوری که در اسلام هست و مورد اصرار فقهای عظام و شخص امام نیز می‌باشد به صورت دفاع از سرمایه‌داری و فئودال وانمود ساخته حملاتی که علیه نظام سرمایه‌داری استیلاگر آمریکا، ضرورت دارد نثار نهضت آزادی شده است. دعوت روزنامه میزان از کلیه نیروهای مسلمان ولو دچار افراط و انحراف یا التقاط به اسلام اصیل و برادری و وحدت و پرهیز از برادرکشی، مخالفت و ضدیت با شور انقلابی و مسخره کردن آن قلمداد گردیده است. انتقادات اصولی میزان را که اکثراً تدافعی و متکی بر اصل امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه مطبوعاتی منطبق با قانون اساسی است «نق زدن» و «اشک تمساح ریختن» معرفی کرده‌اند و آن را ناشی از قطع «ارسال ارز به آشنایان به ظاهر دانشجوی ۵۰ ساله» دانسته‌اند.

آنچه برای برادران ما در نهضت آزادی بیشتر باعث تأسف می‌شود اتهامات و القائات دشمنان آگاه نیست. بلکه ناآگاهی دوستانی است که تحت تأثیر این جوسازی‌ها قرار گرفته و دچار سوءتفاهمات شده‌اند که نمی‌خواهند این شبهات و ادعاها را مورد شک و تردید و سپس تفکر و تحقیق قرار دهند تا خود به این

نتیجه رسند که مهندس بازرگان و دولت موقت تلاش مداوم خود در شرایط طاقت‌فرسای ۹ ماه اول پیروزی انقلاب یا جز در اجرای مأموریت ارجاعی و دفاع از منافع ایران و انقلاب مصروف نداشته‌اند.

در آن زمان، یعنی پس از پیروزی انقلاب، یک نظر این بود که آمریکا و کشورهای مشابه پایگاه‌های نامشروع خود را از دست داده‌اند و نومیدانه تصمیم گرفته‌اند به درون مرزهای ممالک خود عقب‌نشینی کنند. و باز بر طبق شعارهای اصیل انقلاب چون «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» حداکثر انتظار می‌رفت که این دولت‌ها با توجه به وحدت و انسجام ملت و هوشیاری رهبری انقلاب به ایجاد روابط عادلانه مبتنی بر احترام به استقلال کامل ایران راضی باشند. به همین دلیل بود که ایران طبق سیاست خارجی خود که زیر نظر امام و شورای انقلاب قرار داشت، رابطه خود را با هیچ کشوری (جز با مصر) قطع نکرد و سیاست خارجی مصوب ایران با آمریکا سیاست «کج دار و مریز» بود. امروز هر گونه قضاوت و ارزش‌یابی در خصوص رویدادهای آن روزها نباید در خلأ و یا بر اساس تحولات بعدی و شرایط حاضر انجام گیرد.

سنجیدن وقایع سال‌های ۵۷ و ۵۸ با معیارهای سال ۱۳۶۰ در شرایط انقلابی که هر روز شاهد تغییرات باور نکردنی آن هستیم، باعث می‌شود که نویسنده آن مقاله سؤال کند چرا امیرانتظام در پاسخ نماینده آمریکا گفته بوده است که تبادل اطلاعات را در سوئد انجام می‌دهیم و در آنجا راحت‌تر است. ایشان فراموش کرده است که در آن زمان امیرانتظام سفیر ایران در سوئد و محل کار رسمی او سوئد بود و رفت و آمد او به ایران هر چند ماه یک بار گزارش دادن به وزارت امور خارجه بود.

نظیر این سؤال را آقای بازپرس آقای مهندس امیرانتظام دو سه روز بعد از بازداشت ایشان از آقای مهندس بازرگان در نخست‌وزیری کرده، متوجه و متقاعد شده بود که به هیچوجه مسأله جاسوسی و نیت سوء در میان نبوده است. آقای مهندس بازرگان در دادگاه نیز توضیحاً شهادت دادند که چون دولت موقت در اثر متلاشی شدن امکانات سابق فاقد اطلاعات برون‌مرزی بود از سفرای شوروی و آمریکا خواستند که برای اثبات حسن نیت خود در طرفداری از استقلال و تمامیت ارضی ایران ما را از خبرهایی که از حرکات و اقدامات همسایگان به دست می‌آورند آگاه سازند. در عرف دیپلماسی این عمل را تبادل اطلاعات می‌گویند و کاملاً معمول است ضمن آن که معلوم بود نه ما اطلاعات مفیدی برای آن‌ها داریم که بدهیم و نه دریافت یک طرفه اطلاعات مستلزم قبول چشم‌بسته آنها است.

دیگر از ایرادها و حملات تندی که علیه آقای مهندس بازرگان و نهضت آزادی معمول و متداول شده، استفاده و استنادی است که گاه گاه بعضی از خبرگزاری‌های خارج برای پر کردن برنامه‌های خود از آقای مهندس بازرگان یا روزنامه می‌کنند. این رادیوها در مواقع بحران با استفاده از هر اختلاف نظر طبیعی که ممکن است برای رشد و پیشرفت جامعه بسیار سودمند باشد، با جانبداری از یک گروه و با پخش اخبار کذب و شایعات، سعی در ایجاد شکاف می‌کنند. این عمل احیاناً مزورانه رادیوهای خارجی را نباید بهانه برای کوبیدن و مقصر دانستن نهضت آزادی و آقای مهندس بازرگان دانست. آیا حزب توده که با تمام قوا از نامزدی آقای رجایی برای ریاست جمهوری پشتیبانی می‌کرد و دیوارهای شهر را با شعارهای متعدد خود در حمایت از ایشان می‌پوشاند دلیل سازشکاری و دوستی آقای رجایی با آن حزب می‌شود؟ آیا پشتیبانی و تبلیغ رادیوهای بلوک شرق از انقلاب اسلامی ایران دلیل مسلمان شدن آن‌ها یا مارکسیست

بودن انقلاب ایران و یا عنایت رهبری انقلاب به چپ است؟! این همان روش و سلاح «جدایی افکندن و حکومت نمودن» استعمار و استیلا است که از طریق سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از اختلاف نظرهای طبیعی و اکثراً تاکتیکی گروه‌های مسلمان ولی کم توجه و با حسن‌نیت، به پاره پاره کردن و قطعه قطعه کردن امت واحده کمک می‌کند.

برای ما جای تعجب است فردی که خود را مکتبی می‌داند انگیزه نوشتن مقاله «فرزندان مجاهد و مکتبی عزیزم» را کاسب‌کارانه و بازاری‌گونه بخواند و سخن خدای را که «ان بعض الظن اثم» (همانا برخی گمان‌ها گناه است) فراموش کند و به ویژه به روح این مقاله که از یک سوی رفتار «مجاهدان و مکتبی‌ها» را در فلسفه یا در عمل متأثر از مکتب مارکسیسم خوانده توجیهی نکند و از سوی دیگر نسبت به خطری که برخورد این دو گروه با هم دارد و در این مقاله هشدار داده شده و اخیراً تحقق یافته است بی اعتنا بماند. راستی آیا سخن را از این بهتر می‌شود تحریف کرد؟ جوش و خروش انقلابی در قاموس ما محکوم نیست ولی این جوش و خروش تا زمانی مورد قبول است که اولاً هدف اصلی و مقدم بر اسلام نباشد و ثانیاً در چارچوب «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» یعنی سختگیری بر کافران و مهربانی با خودی‌ها صورت گرفته هم‌زمان و همگامان و هموطنان را به دلیل اختلافات فکری و رویه‌ای طرد و تکفیر ننماید. آیا هیچیک از دو طرف می‌توانند ادعا کنند که چنین چارچوبی را برای جوش و خروش انقلابی خود پذیرفته‌اند؟ آری اعتقاد ما بر این نیست که به جای پیاده کردن اصول مترقی اسلام به تقلید از مارکسیست‌ها و در رقابت با ایشان به اعمال خلاف اسلام دست بزنیم و یا در مورد مالکیت و سود شعارهایی بدهیم که مورد قبول رهبر انقلاب اسلامی و سایر مراجع نباشد.

در مورد سؤال آقای نویسنده مقاله که روزنامه میزان برای امت شهید داده چه کرده است البته جواب به عهده مسئولین میزان می‌باشد که در صورت رفع توقیف غیرقانونی چنانچه مایل باشند پاسخ دهند. اما به عنوان یک خواننده می‌توان گفت که روزنامه میزان در نقش سخنگوی اقلیت که از ضروریات و خدمات هر سیستم پارلمانی و شورایی و اسلامی است و در دفاع از قانون اساسی و حقوق ملت که در رأس آن موهبت بزرگ الهی به انسان یعنی آزادی را باید قرار داد، متعهد و مجاهد بوده است. روزنامه میزان در طی عمر کوتاه ۱۹۸ شماره‌ای خود سعی کرده است انواع مقالات اعتقادی، اجتماعی، سیاسی - انتقادی و ارشادی - فرهنگی و خانوادگی را تحویل جامعه در حال انقلاب و اصلاح و استقلال بدهد. سعی کرده است اسلام اصیل و انقلاب صحیح را با ادای حق رهبری ارایه دهد. فریب‌ها و ریاکاری‌های سیاسی احزاب ضداسلام و ایران و افراط و تفریط‌های روحی و فکری و انحصارگری‌های استبدادی را افشا سازد. در میان قشرهای مختلف نقش شاهد و واسط ادا کرده عواقب وحشتناک خصومت‌ها و خشونت‌ها را پیش‌بینی کند، دولت را بدون آن که غرض‌ورزی و قصد واژگونی و جانشینی داشته باشد مورد تذکر و تنب قرار دهد و ناله و اعتراض مظلومان را به گوششان برساند. از ابتدای جنگ به تقویت روحیه ملت و تشویق و تقدیر رزمندگان و خدمتگزاران برومند پرداخته و همیشه خواسته است به اعتدال و انتظام و استقرار جمهوری اسلامی ایران خدمت نماید.

نویسنده کیهان می‌نویسد «امت انقلابی دوستان راستین خویش را به خوبی می‌شناسد» و این واقعیتی است که مورد قبول ماست چه علیرغم تلاش‌های شبانه‌روزی و تبلیغات مسمومی که علیه نهضت آزادی و

مهندس بازرگان شده است باز هم ملت به این جریانی که در سخت‌ترین شرایط اختناق از حق‌طلبی دست بر نداشته و در برابر دستگاه جهنمی شاه ایستادگی کرده و امروز نیز مورد ستم قرار گرفته، رأی مثبت دادند و باز هم بازرگان، سحابی، یزدی، صباغیان و چمران از طرف مردم به نمایندگی انتخاب شدند و هنوز هم به آنان بیش از بسیاری از آنان که سنگ مستضعفان را به سینه می‌زنند ایمان و اعتماد دارند.

آری ملت رزمنده ما به خوبی آگاه است که دولت موقت با آن که مراکز قدرت را در اختیار نداشت توانست در مدتی کوتاه از میزان تورم بکاهد و صنایع کشور را نسبتاً به کار اندازد و وابستگی به خارج را تا حد امکان کاهش دهد بدون آن که ادعایی داشته باشد. مقایسه دوران دولت موقت با دو دوره دولت‌های شورای انقلاب و رجایی نشانگر این واقعیت است که این خدمتگزاران بی سر و صدا کوشیدند که سازندگی را آغاز کنند و هدف و برنامه‌شان احیا و توحید و تقویت و تولید بود یا خودجوشی که بالاتر از خودکفایی است. آن‌ها اگر [...] یعنی به ملت و مملکت بیش از خارجه توجه داشتند فرمایش علی را به کار می‌بستند که: «دائک منک و دوائک فیک» یعنی درد و بیماری و گرفتاری تو از خودت می‌باشد و درمان و چاره را در خودت باید بجویی. آری نهضت آزادی ایران مسایل اصلی را شناخته است و در زمانی که هیچکس جرأت نداشت، اعلام کرد که دولتمردان به بن‌بست رسیده‌اند و چیزی نگذشت که وقایع بعدی وجود و خروج از چنین بن‌بستی را تأکید کرد. اقدامات نهضت آزادی و مهندس بازرگان تنها به حکم وظیفه اسلامی بوده و در این راه نه مزدی از کسی انتظار داشته و نه از ملامت سرزنش‌کننده‌ای می‌هراسند. دعای ما این است که خداوند به ملت ما هدایت و محبت و وحدت ارزانی داشته قدم‌های ما را در راه راست استوار سازد و برای حل مسایل داخلی و پیروزی بر دشمنان خارجی صبر عنایت فرماید. بدون تردید دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر خواهران و برادران برای ما کمکی ارزنده خواهد بود. ربنا افرغ علینا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین.

## روابط عمومی نهضت آزادی ایران